

گزارش «ایران» از سخنرانی مقصود فراستخواه به مناسبت هفته معلم

رسالت استاد و اخلاق تدریس

آموزش نه پاسخ دادن، بلکه پرشش آفرینی است



راهبرد

مهراهنه صبری

گروه اندیشه

انتقال دهنده اطلاعات نیست، بلکه کسی است که امکان اندیشیدن را فراهم می کند. از نظر او، کلاس درس زمانی معنا پیدا می کند که به جای انباشت محفوظات، به محل طرح معماهای علمی تبدیل شود؛ جایی که دانشجو یاد بگیرد چگونه پرش بسازد، چگونه شواهد را بررسی کند و چگونه به تحلیل برسد. این همان سنت سقراطی آموزش است که فراستخواه بر آن تأکید دارد: «آموزش نه پاسخ دادن، بلکه پرشش آفرینی است.»

برخی، آموزش دانشگاهی را در معرض اداری شدن، کتبی سازی و تقلیل به مجموعه‌ای از وظایف رسمی ارزیابی می کنند. از این رو، دکتر مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، به مناسبت هفته معلم، سخنرانی خود را به موضوع «رسالت استاد و اخلاق تدریس» اختصاص داد تا از «معلمی» به مثابه یک رسالت فکری و اخلاقی دفاع کند؛ رسالتی که به تعبیر او «مراقبت از سرمایه انسانی و حیات ذهنی جامعه» است. فراستخواه در آیین بزرگداشت روز معلم که در تأکید کرد که معلمی در دانشگاه نباید به چند ساعت کلاس هفتگی یا انجام یک وظیفه سازمانی فروگذاشته شود. از نظر او، دانشگاه محل تولید سرمایه انسانی بلندمدت و شکل‌گیری ظرفیت اجتماعی برای ساختن آینده جامعه است و استاد، بیش از آنکه کارمند آموزش باشد، سازنده افق‌های فکری و تولیدکننده سرمایه نمادین جامعه است.

شده؛ گویی وظیفه استاد تنها ارائه محتوا و اجرای آیین نامه‌هاست. حال آنکه، آموزش دانشگاهی نیازمند «دشواری خلاق» است؛ یعنی خلق رابطه، ساختن انسان با آن یادگیری و درگیر کردن دانشجو با مسأله. در این نگاه، معلم صرفاً

روز-دخالی- دیستان... و انفجار... این چند کلمه، روایت واقعی و تکان دهنده صحنه‌ای از فیلمی خواهد بود که سیامک مردانه، کارگردان و فیلمنامه‌نویس، قصد دارد روی پرده سینما به تصویر بکشد. روایتی از فاجعه ۹ اسفند ۱۴۰۴ در مدرسه «شجره طیبه»؛ جایی که باید زنگ آخر با صدای خنده و فوتبال بازی کردن بچه‌های کلاس اول پرمی شد، اما با حمله دشمن صهیونی آمریکا یی نابود شد و ۱۶۸ دانش‌آموز شهید شدند.

داستان این فیلم واقعی است

در میان آنها ماکان نصیری، کودک هفت‌ساله کلاس اول، تنها دانش‌آموزی بود که پس از ۴۶ روز جست‌وجو هیچ نشانی از پیکرش پیدا نشده است؛ جز یک پلیور آبی و یک جفت کفش ورزشی گرم‌رنگ. حالا مزار می هم به نام ماکان در مسجد مهدیه محله اسلام‌آباد میناب قرار گرفته که داخل آن خالی است.

مانده و نامش در میان جاویدالآثرها ثبت شد. گزارشی که باعث شد نویسندگانش با محوریت مینابان مدرسه «شجره طیبه» میناب خیر داد. او درباره دیدار با خانواده شهید ماکان نصیری در یادداشتی نوشت: «هفته پیش پای حرف‌های مادر و پدر شهید جاویدالآثر ماکان نصیری نشستم. هنوز گنج بودند... هنوز مادر مبهوت بود، هنوز چشمان پدر خیس بود... نزدیک به دو ساعت حرف زدیم. گوش کردم، همدردی کردم، ضبط کردم، خفه شدم، بغض کردم، بغض کردم، بغض کردم... در آن لحظه هیچ چیز برای گفتن نداشتم، فقط کلماتی تکراری که گوشه‌شان از شنیدنش بر بود ناخودآگاه از زبانم جاری می شد که نه خودم دوستشان داشتم نه دردی از آنها می کرد.» او درباره جرقه اولیه تصمیمش برای ساختن فیلمی درباره ماکان نصیری می گوید: «در میان وقایع سهمگین اسفندماه، مینابان مدرسه شجره طیبه میناب یکی از تلخ‌ترین‌ها بود. من از طریق گزارشی در یکی از رسانه‌ها توجه بیشتری به این موضوع جلب شد؛ کودکی که بعد از روزها جست‌وجو فقط خاطره‌اش در یادها

مانده و نامش در میان جاویدالآثرها ثبت شد. گزارشی که باعث شد نویسندگانش با محوریت مینابان مدرسه «شجره طیبه» میناب خیر داد. او درباره دیدار با خانواده شهید ماکان نصیری در یادداشتی نوشت: «هفته پیش پای حرف‌های مادر و پدر شهید جاویدالآثر ماکان نصیری نشستم. هنوز گنج بودند... هنوز مادر مبهوت بود، هنوز چشمان پدر خیس بود... نزدیک به دو ساعت حرف زدیم. گوش کردم، همدردی کردم، ضبط کردم، خفه شدم، بغض کردم، بغض کردم، بغض کردم... در آن لحظه هیچ چیز برای گفتن نداشتم، فقط کلماتی تکراری که گوشه‌شان از شنیدنش بر بود ناخودآگاه از زبانم جاری می شد که نه خودم دوستشان داشتم نه دردی از آنها می کرد.» او درباره جرقه اولیه تصمیمش برای ساختن فیلمی درباره ماکان نصیری می گوید: «در میان وقایع سهمگین اسفندماه، مینابان مدرسه شجره طیبه میناب یکی از تلخ‌ترین‌ها بود. من از طریق گزارشی در یکی از رسانه‌ها توجه بیشتری به این موضوع جلب شد؛ کودکی که بعد از روزها جست‌وجو فقط خاطره‌اش در یادها

مانده و نامش در میان جاویدالآثرها ثبت شد. گزارشی که باعث شد نویسندگانش با محوریت مینابان مدرسه «شجره طیبه» میناب خیر داد. او درباره دیدار با خانواده شهید ماکان نصیری در یادداشتی نوشت: «هفته پیش پای حرف‌های مادر و پدر شهید جاویدالآثر ماکان نصیری نشستم. هنوز گنج بودند... هنوز مادر مبهوت بود، هنوز چشمان پدر خیس بود... نزدیک به دو ساعت حرف زدیم. گوش کردم، همدردی کردم، ضبط کردم، خفه شدم، بغض کردم، بغض کردم، بغض کردم... در آن لحظه هیچ چیز برای گفتن نداشتم، فقط کلماتی تکراری که گوشه‌شان از شنیدنش بر بود ناخودآگاه از زبانم جاری می شد که نه خودم دوستشان داشتم نه دردی از آنها می کرد.» او درباره جرقه اولیه تصمیمش برای ساختن فیلمی درباره ماکان نصیری می گوید: «در میان وقایع سهمگین اسفندماه، مینابان مدرسه شجره طیبه میناب یکی از تلخ‌ترین‌ها بود. من از طریق گزارشی در یکی از رسانه‌ها توجه بیشتری به این موضوع جلب شد؛ کودکی که بعد از روزها جست‌وجو فقط خاطره‌اش در یادها

شان و ارجمندی معلم دانشگاهی در آن است که خط اصلی زندگی‌اش صرف مراقبت از حیات ذهنی جامعه شود؛ معلم خوب کسی است که نه فقط درس می‌دهد، بلکه از امکان اندیشیدن در جامعه پاسداری می‌کند.

این تعبیر فراستخواه، «اخلاق معلمی» را از سطح توصیه‌های فردی فراتر برد و آن را به یک مسئولیت فرهنگی بدل کرد؛ مسئولیتی برای زنده نگه داشتن چراغ علم مبتنی بر اخلاق اجتماعی.»

نیاز جامعه به ذهن علمی فراستخواه یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه را «ذهن علمی» معرفی کرد. زیرا از نظر او، جامعه بدون ذهن علمی نمی‌تواند سود و زیان ملی را محاسبه کند، شکست‌ها و موفقیت‌های خود را بفهمد یا درباره مسائل کلان کشور تصمیم عقلانی بگیرد. ذهن علمی در تعریف او، ذهنی است که بر مشاهده دقیق، کنجکاوی، کاوش روشمند، تفکر انتقادی و کوشش برای بی‌طرفی، مبتنی است. چنین ذهنی مرز نمی‌شناسد؛ از دانش جهانی بهره می‌گیرد و خود را نیز در گفت‌وگوی علمی جهان سهیم می‌کند. از نظر او، رسالت استاد در این میان، پرورش همین نسبت علم‌ورزانه است؛ اینکه دانشجو از همان سال‌های اول دانشگاه، حقیقت علمی را نه صرفاً به عنوان ابزار موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

به عنوان ابزاری موفقیت شغلی، بلکه

تأمل

گروه اندیشه

تحلیل رضا داوری اردکانی از مشی فکری-سیاسی شهید لاریجانی

ترور حکومتی، زشتی زمانه ما

رضا داوری اردکانی که سال‌ها همکار و دوست شهید علی لاریجانی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بوده، در یادداشت خود در «یادنامه چهلمین روز عروج شهید دکتر علی لاریجانی» به مشی علمی و سیاسی شهید لاریجانی پرداخت و او را سیاستمدار معتدل، فراجناحی و دانشمندی صاحب‌نظر خواند که از غلبه جوافراط و تقریبط بر فضای سیاست جلوگیری کرد.

نسبت فلسفه و سیاست رضا داوری اردکانی در یادداشت خود، با طرح پرسشی تأمل‌برانگیز، مخاطب را به سوی ابعاد پنهان تر این رخداد سوق می‌دهد: «شهادت آقای دکتر لاریجانی امری مهم و از جهات مختلف قابل تأمل است؛ آیا او صرفاً از آن جهت که مسئول امنیت ملی بود ترور کردند؟» از منظر نویسنده، فهم این واقعه بدون در نظر گرفتن زمینه‌های گسترده‌تر سیاسی و تاریخی ممکن نیست. داوری اردکانی این نکته را هم از نظر نرمی دارد که سیاست، دکتر لاریجانی را از تدریس و دانشگاه دور کرده بود: «وقتی ایشان به این سمت منصوب شدند خوشحال نشدم، زیرا این شغل تمام وقت ایشان را می‌گرفت و مجالی حتی برای دو سه ساعت تدریس هم باقی نمی‌گذاشت. من حق ندارم درباره انتخاب‌ها و سلیقه‌های سیاسی اشخاص حکم کنم، اما می‌توانم موافق یا مخالف باشم.»

این فیلسوف در ادامه، با تمرکز بر نسبت فلسفه و سیاست، تأکید می‌کند که در شرایط کنونی، امکان اثرگذاری مستقیم فلسفه بر سیاست محدود است: «معتقد نیستم در شرایطی که خرد ربه ضعف دارد، فلسفه بتواند مددچندانی به سیاست برساند. فلسفه نیز جزو چوهی از درک زمان است؛ نه اینکه داور همیشه‌دانای عادل و قوت‌بخش جهان باشد. در یک نظم سست، هیچ چیز استوار نیست و هر جا که تفکر و دانایی هست و زندگی نشاط دارد، نظم هم وجود دارد.»

فیلسوفی در میان سیاست داوری اردکانی، بر فراجناحی بودن شهید لاریجانی تأکید می‌گذارد و می‌نویسد: «نکنه‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود، جناحی نبودن او است. او اهل اعتدال بود و در پی کوشش‌هایی که بعضی دیگر از سیاستمداران اعتدالی کرده بودند، قدم‌هایی برداشت و به سهم خود از غلبه کامل جوافراط و تقریبط بر فضای سیاست جلوگیری کرد.»

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی

او با اشاره به پیشینه علمی شهید لاریجانی



بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.



بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.



لایه آشکار، دنیای دیگری از این جنایت جریان دارد که کمتر دیده و شنیده شده است. من می‌خواهم به همان لایه‌های نادیده نزدیک شوم؛ بخش‌هایی که مردم معمولاً ما اطلاعات کلی درباره این فاجعه را می‌شنویم؛ مثل ۱۶۸ شهید، این کارگردان با تأکید بر اینکه نوشتن فیلمنامه را فدای سرعت برای ورود

لایه آشکار، دنیای دیگری از این جنایت جریان دارد که کمتر دیده و شنیده شده است. من می‌خواهم به همان لایه‌های نادیده نزدیک شوم؛ بخش‌هایی که مردم معمولاً ما اطلاعات کلی درباره این فاجعه را می‌شنویم؛ مثل ۱۶۸ شهید، این کارگردان با تأکید بر اینکه نوشتن فیلمنامه را فدای سرعت برای ورود

لایه آشکار، دنیای دیگری از این جنایت جریان دارد که کمتر دیده و شنیده شده است. من می‌خواهم به همان لایه‌های نادیده نزدیک شوم؛ بخش‌هایی که مردم معمولاً ما اطلاعات کلی درباره این فاجعه را می‌شنویم؛ مثل ۱۶۸ شهید، این کارگردان با تأکید بر اینکه نوشتن فیلمنامه را فدای سرعت برای ورود



بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.

بیش از پیش ماهیت این فجایع را به او نمی‌دهد.



برش



قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم

قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و حمله دشمن به خاک کشورم را تجربه کردم... این نزدیکی‌ها، باعث شد بیشتر از قبل به ماجرای خانواده ماکان نصیری نزدیک شوم؛ سوگی که همه ما به شکل‌های گوناگون تجربه‌اش کرده‌ایم



برش



قرابت‌های شخصی که با این موضوع دارم کم نیست؛ اینکه آبا و اجداد من، در کودکی و جنگ و